

اسرارکشتن

حسین قمیعی

انتقام از سستی قانون

قتل مجید عبدالباقی، برادر حسین عبدالباقی، مالک هلدینگ عبدالباقی حادثه‌ای بود که دو روز قبل اتفاق افتاد. این حادثه و حوادث مشابه، پیوسته‌های زیادی دارد که در جای خود باید مورد باز کاوی قرار گیرد. طبق تحقیقات اولیه و براساس اعتراف متهمان بازداشت شده، حادثه به دلیل انتقامجویی رقم خورده که در جریان آن چند نفر از سوی خانواده یکی از داغداران حادثه مترو و پل اجیر شده و برادر حسین عبدالباقی را به قتل رسانده‌اند. حسین عبدالباقی، متهم ردیف اول پرونده بود که در جریان ریزش آوار جانش را از دست داد، اما کینه صورت گرفته علیه رفتار قانون شکنانه‌اش منجر نشد خانواده‌اش از اصابت تر کش های حادثه مصون بماند. با وقوع این حادثه، خانواده عبدالباقی بیش از هر زمان دیگری احساس خطر خواهد کرد، چراکه این امکان وجود دارد انتقام گیری‌های شخصی، حوادث دیگری را رقم بزند.

عمده‌ترین دلیلی که برای انتقام‌گیری‌های شخصی وجود دارد، نایسامانی ساختار قانونی است. وقتی مردم اعتماد خود را به نظام قانونی از دست می دهند، منظر انجام تحقیقات نمی‌مانند، چراکه ساختار قانونی باید به وظیفه قانونی‌اش در انجام اقدام‌های پیش‌دستانه عمل می‌کرد که اگر چنین بود و امکان بروز مفسده برای بنای متروپل وجود نداشت، حسین عبدالباقی، برادرش مجید و دهها نفری که در جریان حادثه جان باختند در قید حیات بودند. همه داغداران این حادثه و حوادث مشابه مثل حادثه پلاسکو با ۲۱ کشته، سبنای اطهر با ۱۹ کشته، مسجد ارک ۷۸ کشته و معدن بورت با ۳۵ کشته بر این باورند که دادرسی به پرونده تا سال‌های طولانی ادامه خواهد داشت. تجربه در این باره نشان داده التهاب‌های اولیه در همراهی با حادثه‌دیدگان و دستورهای صادر شده خیلی زود فروکش خواهد کرد و مقصران این حوادث تلاش خود را برای فرار از مسولیت در جریان دادرسی‌ها به کار خواهند گرفت و در بدترین حالت به پرداخت دیه، جبران خسارت و حبس کوتاهمدت محکوم خواهند شد. از دیگر سو، خانواده‌های قربانیان باید سال‌ها پل‌های سازمان‌های مقصر شناخته شده را برای مطالبه دیه بالا و پاپین کنند. بنابراین خانواده‌های داغداران این حوادث علاوه بر تحمل مصیبت وارد شده باید دشواری‌های موجود در روند فرسایشی دادرسی را هم تحمل کنند. حادثه قتل مجید عبدالباقی، ا بستان حوادثی دیگر است. اتفاق در جای رقم خورده که پیوسته‌های زیادی در پیوندهای قومی و سنتی وجود دارد و عدم مدیریت از همین مسیر می‌تواند دامنه اتفاق را گسترده‌تر کند.

نوزاد گمشده آخرین قربانی سیلاب استهبان

تلاش‌های امدادگران برای یافتن پیکر دخترپچه خردسال که در جریان سیلاب مهیب شهرستان استهبان باید پید شده، در حالی جریان دارد که جسد ۲۴ نفر از آب خارج شده‌است. وزیر کشور پس از وقوع حادثه برای بررسی‌های میدانی در محل حاضر شد.

به گزارش «جوان» مهدی خویبار، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان فارس، از کشف جسد یک پسرپچه سه ساله از رودخانه رودبال خبر داد و گفت: «ما ر کشته‌های سیل به ۲۲ نفر رسیده و تلاش امدادگران برای یافتن جسد دخترپچه یک ساله ادامه دارد.» وی ادامه داد: «تمامی نیروها منطبق را تخلیه و وضعیت سیل زدگان را بررسی و به قصور و تقصیرهای احتمالی در این حادثه رسیدگی کند، از همین‌رو احمد وحیدی در محل حادثه حاضر شد و ضمن تأکید بر سرعت رأیند رسیدگی به خسارت‌های ناشی از سیل، خواستار پرداخت حقوق کامل خسارت‌دیدگان شد.»

سارقان مسلح خانه‌های شمال تهران به دام افتادند

اعضای باند سارقان مسلح که به خانه‌های شمال تهران دستبرد می‌زدند، در دام مأموران پلیس گرفتار شدند.

رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام خبر دستگیری باند سارقان مسلح خانه‌های شمال تهران گفت: «چندی قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید چهار سارق ناشناس مسلح به خانه‌ای در محله زعفرانیه دستبرد زدند.»

بررسی‌ها نشان داد چهار سارق مسلح از روی دود وارد خانه می‌شوند و پس از بستن دست و پای سه نفر از اعضای خانواده و ضرب و جرح آنها، اموال قیمتی‌شان را که حدود یک میلیارد تومان ارزش داشته‌است، سرقت می‌کنند.

سرنهنگ کار آگاه علی ولیپور گودرزی افزود: «مأموران پلیس در بررسی دوربین‌های مداربسته فردی را که قبل از سرقت با سارقان در نزدیکی محل حادثه ملاقات داشته بود، شناسایی و دستگیر کردند. وی در بازجویی‌ها چهار سارق را به پلیس معرفی کرد و مأموران هم موفق شدند متهمان را بازداشت کنند. متهمان در بازجویی‌ها به دو فقره سرقت مسلحانه از خانه‌های شمال تهران اعتراف کردند».

تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

مردی که به اتهام قتل همسر صیغه‌ای خود بازداشت شده، در حالی اتهامش را انکار می‌کند که در جریان تحقیقات، حادثه را شرح داده بود.

به گزارش جوان، دومین جلسه رسیدگی به پرونده روز گذشته در شعبه دم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی رضایی برگزار شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه، نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و در قرائت کیفرخواست گفت: متهم داود نام دارد. او ۴۲ ساله و صاحب دو فرزند دختر و پسر است. متهم ۱۶ اسفند ۹۷ به اتهام قتل دخترعموش به نام فرزاد بازداشت شد. او بعد از دستگیری سعی داشت پلیس را گمراه کند تا اینکه در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف و در اظهاراتش عنوان کرد که «۱۰ سال قبل به اصرار فرزاد، او را صیغه کردم. زندگی خوبی داشتمم تا اینکه مدتی قبل سر مسائل مالی اختلاف پیدا کردیم. آن روز به رودهن رفته بودیم و در راه بازگشت در ماشین نشسته بودیم که سر صحبت باز شد. من از او خواستم خانه‌اش را به نام‌سند بزند. فرزاد با شنیدن این حرف عصبانی شد و می‌خواست خودش را از ماشین به بیرون پرت کند که از رفتارش عصبی شدم و او را به صندلی عقب ماشین بردم. او از شدت عصبانیت لیوانی که دستش بود را فشار داد و شکست. همین باعث شد دستش زخمی شود و خونش داخل ماشین بریزد. با دیدن قطرات خون، او را هل دادم که سرش به ستون ماشین خورد و از نفس افتاد. ساعتی گذشت و نمی‌دانستم با جسد چکار کنم، به

همین خاطر آن را به یکی از دوستان به نام کیوان سپردم تا به‌زای پرداخت پول جسد را مخفی کند».

نماینده دادستان در ادامه گفت: متهم بعد از این اظهارات مدعی شد نمی‌داند دوستش با جسد چکار کرده‌است. او گفت شاید جسد مثل و در چند سطح زباله انداخته شده است. در حالی که هنوز زری از جسد به دست نیامده بود، کیوان بازداشت شد، اما جرمش را انکار کرد. پرونده بعد از گذشت سه سال در این شعبه رسیدگی شد، اما متهم در اولین جلسه محاکمه خلاف اظهاراتش قتل را انکار کرد و مدعی شد بر اثر فشارهای بازجویی به جرمش اعتراف کرده‌است. او همچنین ادعای تازه‌ای را مطرح کرد و گفت دخترعموش زنده‌است و احتمالاً زندگی مخفیانه‌ای دارد.

نماینده دادستان در آخر برای متهم درخواست اشد مجازات کرد. بعد از قرائت کیفرخواست، وکیل اولیای دم از سوی موکلین خود درخواست قصاص کرد. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر جرمش را انکار کرد و گفت: در جلسه قبلی هم گفتم من و فرزاد به هم علاقه‌مند بودیم و زندگی خوبی داشتیم. فقط به خاطر فشارهای بازجویی به قتل اعتراف کردم. باور کنید من قاتل نیستم. او در ادامه افزود: عاشق دخترعموم بودم و هرگز با هم رابطه نداشتیم. علاقه‌ما له حدی بود که با تشویق‌های او درسم را ادامه دادم و لایسنس حقوق گرفتم، حتی قرار بود او مسکن مهری را که در بومهن داشت، بفروشد تا دفتر و کالت

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



اجیر کردن قاتل

در قتل مجید عبدالباقی

با گلوله همان فردی که با کلت کمری از داخل خودرو به سوی وی شلیک کرده به قتل رسیده‌است و شلیک‌های اسلحه کلاشیکف فقط به خودرو وی اصابت کرده‌است. بدین ترتیب با اعلام خبر، تیم زنده‌های از مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی عاملان قتل آغاز کردند.

نخستین گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن داشت که عاملان قتل از بستگان و نزدیکان افراد فوت‌شده ساختمان متروپل هستند که

باانگیزه انتقامجویانه مجید عبدالباقی را به قتل رسانده‌اند، بنابراین مأموران بررسی‌های خود را روی خانواده افراد فوت شده حادثه رضایت خانواده‌های افراد فوت شده در حادثه متروپل متمرکز کردند، اما پس از بررسی‌های تخصصی و شناسایی صاحب خودرو ساینا و سرنشینان آن دریافتند هیچ‌یک از عاملان قتل نسبتی با افراد فوت‌شده ندارند.

دستگیری متهمان

پس از شناسایی سرنشینان مأموران پلیس خیلی زود دو نفر از متهمان را که مقتول با شلیک گلوله یکی از آنها به قتل رسیده‌بود، دستگیر کردند، اما نفر سوم موفق به فرار

شد. در تحقیقات از متهمان مشخص شد آنها از سوی بستگان یکی از افراد فوت‌شده در جریان حادثه متروپل اجیر شده‌بودند. با مشخص شدن انگیزه عاملان قتل، مأموران پلیس در ادامه فرد امر و دو نفر دیگر که با متهمان در ارتباط بودند، بازداشت کردند. دو متهم دستگیر شده در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند و گفتند که برای قتل مجید اجیر شده‌بودند.

قبل از قتل

یک منبع آگاه درباره قتل مجید عبدالباقی ویژه جهت شناسایی و دستگیری عاملان خانواده عبدالباقی تلاش زیادی برای جلب رضایت خانواده‌های افراد فوت شده در حادثه دستگیر کنند. متهمان در تحقیقات پلیسی دیه با بعضی از اولیای دم برگزار کردند، اما در این میان بعضی خانواده‌ها رضی به گرفتن دیه نبودند.

روز حادثه، مقتول که رستوران دار بود، پس از پایان جلسه با خودروپوش به طرف خانه‌اش راه می‌افتد که در میانه راه عاملان قتل، راه او را سد و با سلاح سرد به او حمله می‌کنند. یکی

انکار قتل همسر موقت پس از اعتراف

بزیم، مطمئن هستم فرزاد زنده است و زندگی مخفیانه‌ای در پیش گرفته‌است. شاید در خارج از کشور زندگی می‌کند.

متهم در پاسخ به سؤالات هیئت قضایی گفت: این اواخر کمتر به دیدن فرزاد می‌رفتم، چون به من گفته بود درگیر پایان‌نامه‌است و نباید مزاحمش شوم، به همین خاطر متوجه نشدم او چند روزی است ناپدید شده و در خانه‌اش نیست.

او درساره آنتن دهی تلفن همراه مقتول و خودش در زمان حادثه گفت: آن زمان با اسنپ کار می‌کردم، به همین خاطر گوشی موبایلم در نقاط مختلفی از شهر آنتن دهی موبایلم در نقاط مختلفی از شهر آنتن دفت و با انکار جرمش گفت: داود را می‌شناختم. من مغازه لوازم بدکی داشتم و او هر چند ماه یکبار به مغازه‌ام می‌آمد نمی‌دانم چرا چنین ادعایی را مطرح کرده‌است. باور کنید بی‌گناهم و از قتل و ناپدید شدن جسد اطلاعی ندارم، برای اثبات حرف‌هایم می‌توانید فهرست مکالماتم در بررسی کنید تا متوجه شوید مدتی بود که هیچ ارتباطی با داود نداشتم.

بعد از اظهارات متهم، داود بار دیگر به جایگاه رفت و گفت: در جلسه قبل گفتیم به خاطر فشارهای بازجویی به قتل اعتراف کردم. مأموران از من خواستند شریک جرم معرفی کنم، به همین خاطر کیوان را معرفی کردم.او در جلسه اول می‌گویند ماها بود.او اطلاعی نداشتم و با هم تماسی نداشتم. در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

اسرارکشتن

سردار حسین رحیمی*

رعایت عفاف و حجاب تقید به قانون اساسی کشور مان است



عفاف و حجاب از جمله اعتقادات و باورهای دیرینه در کشور ماست که حتی قبل از ورود دین مبین اسلام به ایران، ایرانیان پایبند و معتقد به حجاب و عفاف بوده‌اند که سنگ‌نگارهای تخت جمشید که تصویر مرد و ز هنر خامشانی را با پوشش حجاب مناسب نشان می‌دهد، مؤید این موضوع است.

در همه کشورهای جهان، حجاب و عفاف دارای ضوابط و چارچوب‌هایی است که همه افراد جامعه مقید به انجام و رعایت آن هستندند و اینگونه نیست که انسان‌ها در جوامع به‌اصطلاح آزاد غربی و کشورهای امریکایی باهر پوششی که ممنوع و تخلف محسوب می‌شود، متناسب با قوانین وضع شده متخلف جرمیمه هم نباشند، بلکه در دنیای آنها نیز ضوابط و چارچوب‌هایی تدوین و اعلام شده است و همه موظف به رعایت آن ضوابط و چارچوب‌ها هستند.

رعایت حجاب در جامعه ما، موضوعی قانونی است، از این‌رو رعایت آن لازم و ضروری است که بدون هیچ‌ان مهم، مزایا و خوبی‌هایی برای فرد و جامعه به دنبال دارد و در یک کلمه به نفع سلامت جامعه است. به‌رغم تبلیغات و سمپاشی‌ها و سیاه‌نمایی‌ها، به فرس قاطع باید گفت که حجاب و عفاف محدودیت نیست، بلکه برای انسان مصونیت و مقبولیت به همراه دارد و بیش از هر چیز شأن بانوی محجبه را نگه می‌دارد.

رعایت قوانین جامعه توسط افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند، امری لازم و ضروری است و همه باید خود را ملزم به رعایت آن قوانین بدانند و بی تفاوت و ساده‌از کنار آن عبور نکنند. به‌طور مثال براساس قوانین، عبور از چراغ قرمز ممنوع و تخلف محسوب می‌شود و متناسب با قوانین وضع شده متخلف جرمیمه خواهد شد، چراکه قانون نیازمند ضمانت اجرایی است.

در مسئله عفاف و حجاب، مبنای اساس کار پلیس، امر به معروف و نهی از منکر است و در مواجهه با افرادی که فاقدحجاب مناسب هستندو پوشش نامناسب آنها، نوعی تخطی از قانون محسوب می‌شود و براساس قانون نیز بافرد خاطی باید برخورد لازم به عمل آید که در این زمینه اساس کار پلیس پایتخت در مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی تذکر لسانی و به‌نوعی برخورد ادیجایی است، به‌گونه‌ای که بانوان فاقدحجاب مطلوب پس از انتقال به مقر پلیس امنیت عمومی در کلاس‌هایی که پیش‌بینی شده‌است توسط اساتید مجرب کاربلد حدود ۲۰ دقیقه اصول و مبانی حجاب، ارزش‌های حجاب و عفاف، تلاش دشمنان برای زوددن عفاف و حجاب به آنان ارائه می‌شود و هدف در این نوع برنامه، صرفاً آموزش و آگاه‌سازی بانوانی است که از حجاب لازم و مطلوب برخوردار نیستند.

امروز اساس شیخون و ناتوی فرهنگی دشمنان، زوددن عفاف و حجاب و حیای جامعه است، چراکه آنان به خوبی می‌دانند که چه موضوع حساس و مهمی را نشانه گرفته‌اند، در صورت پیروز شدن و رد شدن از این خاکریز به راحتی می‌توانند به‌دیگر مطلع خود دست پیدا کنند از این‌رو با توجه به هججه همه‌جانبه دشمنان در زوددن حیا و عفاف در جامعه باید ما نیز با توان و دانش و امکانات لازم در این عرصه مجاهدانه تلاش کنیم. از این‌رو لازم است همه سازمان‌ها و نهادهای مسئول در حوزه عفاف و حجاب سهم خود را به‌درستی و با اعتقاد و باور و نه صرفاً از سر ادای انجام وظیفه انجام دهند. امروز در حوزه مقابله با بدحجابی و بی‌حجابی، فراجا یک‌تنه انجام وظیفه می‌کند، این در حالی است که در صورت انجام وظیفه، ۳۳ سازمانی که در این حوزه برای آنها وظایفی پیش‌بینی شده‌شاید بتوان گفت که فراجا حلقه پایانی این زنجیر است. در این باره بیش از هر چیز دیگری، رویکرد فرهنگی لازم است، چراکه دشمنان نیز در این عرصه با حربه فرهنگ به میدان کارزار آمده‌اند و در میدان فرهنگی نیز باید تأثیرگذار سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی متولی امر اعلام داشت.

رعایت عفاف و حجاب، امری قانونی است که براساس قانون اساسی، مردان و زنان ما ملزم به رعایت آن هستند و تخطی از آن بی‌قانونی محسوب می‌شود. لازم‌است همه افرادی که در عرصه عمومی حضور پیدا می‌کنند حرمت و شأن آن‌را و رنگه دارند، چرا که بر خلاف عرصه خصوصی در عرصه‌های عمومی انسان باید مقید به قوانین و مقررات حاکم بر جامعه باشند و حجاب و عفاف نیز از جمله مواردی است که همه باید خود را در عرصه‌های عمومی ملزم به انجام آن بدانند. احترام به عفاف و حجاب در واقع احترام به قانون اساسی است.

* رئیس پلیس پایتخت

کشف جسد مرد ناشناس ز نزدیک پایانه جنوب

مأموران پلیس تهران جسد مرد ناشناسی را کنار پایانه مسافربری جنوب کشف کردند که به صورت مشکوکی به قتل رسیده‌بود.

به گزارش «جوان»، قاضی محمد رضا صاحب‌جمعی، بازرس ویژه قتل داندسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاستر ۱۶۰ خزانه از کشف جسد مرد جوانی در اطراف پایانه مسافربری جنوب‌باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه با جسد مردی حدوداً ۲۵ تا ۳۰ساله رویه‌رو شدند

که به طرز مشکوکی به قتل رسیده‌بود.

در تن‌پیمایی از مقتول، مأموران پلیس با آثار شبیاز گردنی و ضرب و جرح روی بدن مقتول مواجه شدند که حکایت از آن داشت مقتول در مکان دیگری به قتل رسیده و عامل یا عاملان قتل جسد او را نیمه‌های شب به این مکان منتقل و رها کرده‌اند. همچنین مشخص شد جسد را مرد مسافری پیدا کرده و به مأموران پلیس خبر داده‌است. هم‌زمان با ادامه تحقیقات برای شناسایی قاتل با قاتلان جسد مرد ناشناس برای شناسایی و آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مفقودی

برگ سبز ماشین سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی ۱/۸ به رنگ خاکستری متالیک به شماره موتور ۱۳۴۸۹۲۸۱۵۰۹ و شماره شاسی ۸۴۷۲۷۶۴۵FSM و شماره پلاک ۴۳د۸۲۸۲ ایران ۳۵ به نام محسن اشرفی گنبد مفقودشده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

مفقودی

برگ سبز ماشین سواری پژو هاچ‌بک به رنگ فیلی روشن متالیک به شماره موتور ۴۳۷۲۷۶۴۵FSM و شماره شاسی ۸۳۶۳۷۱۰۳ و شماره پلاک ۴۳د۸۲۸۲ ایران ۳۵ به نام محسن اشرفی گنبد مفقودشده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودروی سواری دوو سی بلو مدل ۱۳۷۷ به رنگ سبز سپر متالیک به شماره موتور ۶۷۶۷۸۶ و شماره شاسی ۰۰۳۲۰۲IR۷۶۱۶۵۰۰۳ و شماره انتظامی ایران ۲۷-۸۹۲ط۷۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

مفقودی

برگ سبز موتور سیکلت به رنگ مشکی به شماره موتور ۰۲۰۰NC۵۵۲۱۸۵۴ و شماره تنه ۲۰۰K۹۳۱۳۰۸۵ و شماره پلاک ۹۸۶۹۵/۳۷۵ به نام نجم‌الدین حسینی ذلیلانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
تبریز

مفقودی

سند کمپانی شرکت کرمان موتور متعلق به خودرو سواری هاچ‌بک جک تیپب s۳ at مدل ۱۴۰۰ به شماره موتور HFC۴GB۳۲DM۰۰۰۴۴۱۳ و شماره شاسی NAKSG۷۴۲۶MB۱۲۳۲۹۲۸ و شماره پلاک ایران ۴۶-۶۶۳-۷۷ به نام پویان سلطانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
میلان

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس تیپ tu۵ مدل ۱۴۰۱ متعلق به خانم نجمه فرهادی به شماره ملی ۵۱۴۹۹۲۸۱۰۵ به شماره شاسی NAAN۱۱FE1NH۴۱۹۴۴ و شماره موتور ۳۵۶/۲۶۷۲۲۷ و شماره پلاک ۱۲۴س۱۲۴. ایران ۶۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.
شیراز